

لوح باعزاز محفل روحانی عشق آباد

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح باعزاز محفل روحانی عشق آباد - اثر حضرت عبدالبهاء

- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، صفحه ۲۸۳

عشق آباد محفل روحانی علیهم بهاء الله الاهی

﴿ هو الله ﴾

ای یاران روحانی عبدالبهاء، نامه شما رسید الحمد لله بشارت صحت و سلامت دوستان حقیقی داشت در این سنین فترت که جهان پر آشوب و جنگ بود و عالم انسانی بخونریزی مشغول، نائرہ حرب شعله بعنان آسمان زد، اقالیم مانند بحیم افروخت و کشور از هجوم لشکر پایمال شد و معموره جهان مطموره ویران گردید تا بحال حرب در صحرا و دریا بود ولکن در این عصر در اوج آسمان و عمق دریا نیز بیفزود محشر کبری گردید و مصیبت عظمی رخ داد، اطفال صغیر بی پدر گردید و پدران سانخورده بی پسر شد، مادر مظلوم خون گریست و خواهر مهربان فریاد و فغان برآورد. با وجود آنکه پنجاه سال پیش صریر قلم اعلی بلند شد و جمیع را از جدال و جنگ منع نمود و بصلح عمومی دعوت فرمود و نصایح مشفقانه باشنا و بیگانه فرمود و جمیع ملوک را مخاطب ساخت که جنگ ننگ عالم انسانیت و حرب و درندگی عالم حیوانی زیرا در جهان هر ویرانی آیت جنگ است و هر آبادی علامت صلح و آشتی، صلح سبب حیاتست و جنگ سبب ممت، صلح انبعاث محبت است و جنگ آفت الفت و رأفت. لهذا امر بتشکیل محکمه کبری فرمود تا جمیع ملل و دول نمایندگان انتخاب نمایند یعنی هر مجلس ملی نمایندهئی انتخاب نماید و مجلس اعیان تصدیق فرمایند و هیئت وزراء امضا کنند و پادشاهان و رؤسای جمهور تصدیق فرمایند تا



ORIGINAL

آن نماینده ممتل جمیع ملت و اعیان و وزراء و پادشاه در پیش جمهور باشد و از این نمایندگان محفلی در نهایت روح و ریحان تشکیل گردد و محکمه کبری تأسیس یابد و جمیع مسائل مهمه و مشاکل عظیمه بین الملل و الدول در آن محکمه کبری حل شود تا بنیان جنگ برافتد و عالم انسانی از این عار و ننگ رهائی یابد ولکن هزار افسوس که نصائح قلم اعلی مسموع نگشت و عبدالبهاء در سفر چهار ساله افریک و امریک و اروپا در جمیع محافل عظمی و کتاس کبری نعره زنان فریاد برآورد ای حاضران ای عاقلان خطری عظیم در پیش است و حادثهائی هولناک در پی اروپا عبارت از جبهه خانه و غورخانه گردیده منوط بیک شراره است این مواد ملتهبه منفجر گردد و زلزله شدید بر ارکان عالم انسانی اندازد جهان را ویران نماید ملل و دول مانند سباع ضاربه یکدیگر را بدرند و از درندگان بگذرند زیرا درنده هر روز گوسفندی طعمه خویش نماید و مجبور بر آنست ولی بشری روزی صد هزار نفر بخطر اندازد و خون بریزد و خاک مذلت بر فرق عالم آتی بیزد ظالمی اگر مرتکب قتل نفسی شود آنرا قاتل گویند و مستحق عقوبت عظیمه شمردند و لکن اگر خونخواری در روزی صد هزار نفس را خون بریزد آنرا کشورگشا و جهانگیر نامند و اگر قاطع طریقی نفسی را در راه برهنه نماید آنرا قاطع طریقی گویند و سزاوار عذاب و عقاب الیم شمردند ولی اگر غداری مملکتی را تالان و تاراج کند آنرا فاتح نامند ای حاضران، ای عاقلان، عالم انسانی را آفت و خطری عظیم در پیش آرام مجوئید و سکون و قرار مطلبید و بقوتی ملکوتی برخیزید و این خونریزی را مانع و حائل گردید این نصایح نیز مقبول نیفتاد اینست که ملاحظه مینمائید که نائره قتال چگونه شعله برافروخت که راحت و آسایش در عالم انسانی نگذاشت. باری الحمد لله که احبای الهی از جنگ بیزار و از گروه پرخاش جو در کنار مانند طیور شکور بچند دانه قناعت نمودند و بموجب وصایا و نصایح الهی سلوک فرمودند و بمیمنت تعالیم آسمانی در جمیع اقالیم عالم محفوظ و مصون ماندند. عبدالبهاء در ایام جنگ در چنگ خونخواران بود و محاط بستمکاران در هر ساعتی خطری موجود و هر یومی بدست بومی گرفتار با وجود سعایت و فساد آشنا و بیگانه و افترا و بهتان داخل و خارج در صون حمایت جمال مبارک محفوظ و مصون ماند و این سبب حیرت گردید باری احبای ترکستان در عشق آباد و مرو و تاشکند و سمرقند بتمام قوت بر نصرت امر قیام نمودند و در اعلائی کلمه الله قصور و فتور نفرمودند و بتأسیسات مفیده پرداختند مجامع نطق آراستند و الواح و لواح را بالسن متعدده ترجمه نمودند و انتشار دادند قرائتخانه و دار التبلیغ خدمتی بلیغ است امیدوارم که محفل جوانان نورسیده در متانت و سکون و قرار از محافل پیران سانخورده بگذرد و مجله فارسی مانند خورشید بدرخشد اسم مطابق مسمی باشد و ابداً کلمهئی که سبب آزردهی خاطر باشد در آن مندرج نگردد بلکه بالعکس سبب سرور و شادمانی عمومی باشد این قضیه بسیار لازمست امیدوارم که احبای ترکستان روز بروز بر حسن اخلاق و حسن رفتار و حلاوت گفتار پیفزیند عالم اخلاق بسیار مهم است جمعی بحسن اخلاق

سراجهای روشن آفاق گردند در این قضیه بسیار دقت فرمائید اما قضیه دفن اموات هنوز اگر بقرار سابق باشد بهتر است زیرا نباید نوعی نمود که میان آشنا و بیگانه بکلی فسخ و جدائی افتد زیرا جدائی مانع از تبلیغ است و چون زمانی آید که اجرای احکام بهیچوجه سبب وحشت قلوب نگردد و امر الله اعلان شود آنوقت در ترکستان باید از شرق توجه بغرب مایل بشمال کنند و اموات را سر بقبله و پا بشمال دفن نمایند و علیکم البهاء الابهی (عبدالبهاء عباس)

حیفا ۴ تموز ۱۹۱۹